فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی
سال هفتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۳
صفحات ۳۶۱-۳۸۰

تحلیل ریشه‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت

ایمان باستانی‌فر [*] **رخساره میرزایی** [†]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴

چکیده

در این پژوهش دوره‌های زمانی بروز رکود تورمی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ بر پایه روش Denhann & Summer (2004) برآورد می‌شود. سپس، بر پایه الگوی Berthold & Grundler (2012) عوامل مؤثر در بروز رکود تورمی در قالب رگرسیون داده‌های شمارشی، تخمین حداکثر برآوردکننده پوآسن، دوجمله‌ای نرمال، دوجمله‌ای منفی، تخمین‌های سانسور و حداقل مربعات معمولی برآورد شده است. نتایج گویای آن است که اولاً، با توجه به تعریف این مقاله از رکود تورمی، اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰تا ۱۳۹۲ دچار رکود تورمی بوده است. ثانیاً، رکود تورمی صرفاً پدیده‌ای پولی نیست و به بهره‌وری پایین نیروی‌کار هم ارتباط دارد. ثالثاً، اصلی‌ترین دلیل رکود تورمی مرتبط با مقام پولی حجم نقدینگی نیست، بلکه سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی از طریق بروز پدیده ناسازگاری زمانی به دوره‌های طولانی رکود تورمی منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: ناسازگاری زمانی، قاعده، وکالت، خوش‌نامی
طبقه‌بندی JEL: E52، E61، F63

[*] استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان؛ bastanifar_iman@yahoo.com (نویسنده مسئول)
[†] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان؛ rokhsare.rnb3341@gmail.com

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۱ مقدمه

رکود تورمی شرایطی است که در آن سطح قیمت‌ها و بیکاری توأمان افزایش می‌یابد (دورهام[1]، ۱۹۷۶). دلیل رکود تورمی از منظر اقتصاد کلان، کاهش عرضه کل بیشتر از افزایش تقاضای کل است که به نوبه خود از منظر مکاتب مختلف اقتصادی دلایل و ریشه‌های متفاوتی دارد. به‌طور مثال از منظر مکتب اقتصادی نئوکینزی‌ها تورم ناشی از سمت عرضه یا فشار هزینه تورمی (شامل سیاست‌های مالی دولت مانند مالیات بر عوامل تولید یا کمبود منابع طبیعی به سبب جنگ) عامل بروز رکود تورمی است. اما از منظر پول‌گرایان و کینزی‌های جدید، انتظارات تورمی ناشی از افزایش دستمزد کارگران باعث بروز رکود تورمی می‌شود. نئوکلاسیک‌ها عدم‌توانایی دولت در تنظیم قوانین و کاهش بهره‌وری نیروی‌کار را دلیل اصلی بروز رکود تورمی دانسته، درصورتی که کلاسیک‌های جدید سیاست‌های پولی مصلحت‌گرایانه[2] را که باعث بروز پدیده ناسازگاری زمانی[3] (تغییر در ترجیح‌های تصمیم گیرندگان اقتصادی در طول زمان) می‌شود، دلیل اصلی می‌دانند. از منظر مکتب اتریشی، افزایش خلق پول درونی یا اعتبار با رشدی بیشتر از رشد تولید کالاها، عامل بروز پدیده یادشده است (خلیلی‌عراقی و سوری، ۱۳۸۳).

از منظر مطالعات کاربردی، برخی مطالعات مانند برونو و ساچ[4] (۱۹۸۵)، روگر[5] (۲۰۰۵) و کیلیان[6] (۲۰۰۹) عامل بروز رکود تورمی در اقتصاد را تغییرات در نوسانات قیمت نفت می‌دانند که متأثر از تفکرات نئوکینزی است. درمقابل، برخی مانند بارسکی و کیلیان[7] (۱۹۹۱) و هانت[8] (۲۰۰۵) اعتقاد دارند عوامل دیگری به‌غیر از نوسانات قیمت نفت مانند بهره‌وری پایین نیروی‌کار، سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی و خلق پول به‌میزان بیشتر از رشد تولید باعث بروز رکود تورمی شده‌اند. بر پایه این پژوهش‌ها، با دیدگاه‌های نئوکینزی و

---

[1] Durham
[2] discretionary monetary policy
[3] time inconsistency
[4] Bruno & Sachs
[5] Roger
[6] Kilian
[7] Barasky & Kilian
[8] Hunt

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

کینزی جدید نمی‌توان با تورم رکودی مقابله کرد، بلکه باید راهکارها را در سایر مکاتب اقتصادی جستجو نمود.

بنابراین، اگرچه از منظر مطالعات کاربردی انجام‌شده درخصوص رکود تورمی اجماع وجود ندارد و با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد هر کشور باید راهکار خاص آن تحلیل شود، اما می‌توان نوسانات قیمت نفت، روش‌های مصلحت‌گرایانه اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی توسط دولت، خلق اعتبار مازاد بر تولید و بهره‌وری پایین نیروی‌کار را به‌عنوان مهمترین دلایل مشاهده‌شده از رکود تورمی بر پایه تجارب و مطالعات جهانی نام برد. با توجه به روند آمارهای کلان در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود که هر کدام از دلایل مذکور می‌توانند عامل اصلی بروز رکود تورمی در اقتصاد ایران باشند. تشخیص سهم آنها در بروز این پدیده راهکارها و راهبردهای خاصی را برای برنامه‌ریز اقتصادی به‌صورت عام و مقام پولی به‌صورت خاص دربر خواهد داشت.

چهارچوب این مقاله به این صورت است که پس از مقدمه و در بخش ۲ مبانی نظری بیان می‌شود. بخش ۳ به ارائه یافته‌های پژوهش اختصاص دارد و در بخش ۴ جمع‌بندی می‌شود.

۲ مبانی نظری

۱.۲ تورم رکودی از منظر مکاتب علم اقتصاد

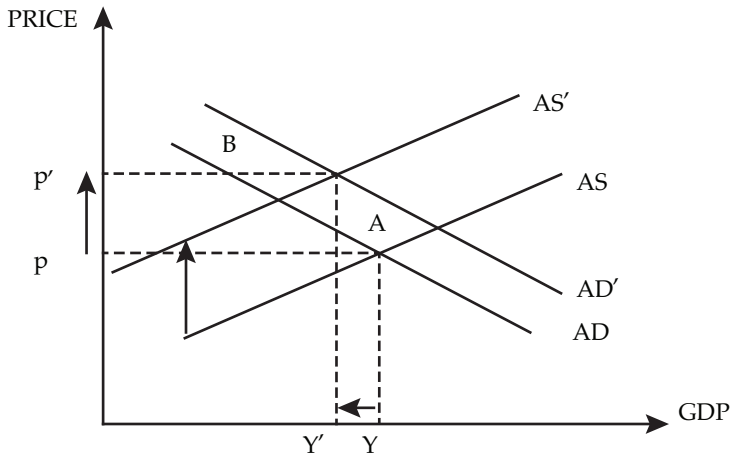
شکل ۱ بروز تورم رکودی را در چهارچوب منحنی‌های عرضه و تقاضای کل اقتصاد نشان می‌دهد. در این نمودار، روی محور افقی تولید ناخالص داخلی (GDP) و روی محور عمودی قیمت (Price) قرار دارد. تعادل اولیه نقطه A(P,Y) است. افزایش قیمت‌ها (P') در بازار محصول و خدمات به انتقال منحنی تقاضا (AD) به سمت بالا منجر می‌شود. افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی و بیکاری در بخش بازار نهاده‌های تولید به انتقال عرضه کل (AS) به سمت چپ، بیشتر از انتقال تقاضا و تعادل جدید B(P', Y′) منجر می‌شود.

دلایل جابه‌جایی منحنی‌های عرضه و تقاضا از منظر مکاتب مختلف علم اقتصاد متفاوت است. جدول ۱ دلایل بروز تورم رکودی از منظر مکاتب اقتصادی را نشان می‌دهد.

از دیدگاه نئوکینزی‌ها، نظریه عرضه مبانی مناسبی جهت توجیه تورم رکودی است. بر پایه نظریه عرضه، افزایش در قیمت سرمایه‌های طبیعی، (نفت، گاز و غیره) از طریق تکانه‌های با منشأ خارجی و همچنین سیاست‌های اصلاحی مالی دولت (تغییر در یارانه‌ها و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مالیات)، به جابه‌جایی منحنی عرضه و بروز تورم رکودی از سمت عرضه اقتصاد منجر می‌شوند.



شکل ۱. تورم رکودی از طریق تغییر در عرضه و تقاضای کل

نئوکلاسیک‌ها از دو زاویه به تورم رکودی نگاه می‌کنند: ۱) از منظر عدم‌توانایی دولت در تنظیم قوانین و ۲) از منظر کاهش بهره‌وری نیروی‌کار. رویکرد نئوکلاسیکی درحقیقت به‌گونه‌ای انتقاد به رویکرد نئوکینزین در سیاست‌گذاری‌های سمت تقاضا از یک‌سو و توجه بیشتر به سمت عرضه از سوی دیگر است. اما رویکرد مکتب اتریشی در برخورد با اقتصاد نئوکلاسیکی درصدد توجیه زمان و پول در اقتصاد است و با بیان نقش غیرقابل انکار رکود در اقتصاد، عامل اصلی بروز تورم رکودی را در افزایش خلق پول درونی یا اعتبار با رشدی بیشتر از رشد تولید کالاها دانسته و بر کنترل اختلالات پولی تأکید دارد (خلیلی عراقی و سوری، ۱۳۸۳، صص. ۳۳۰-۳۴۰).

فریدمن (۱۹۶۹) به‌عنوان پیشگام مکتب پول‌گرایان، با مطرح‌کردن نظریه مقدار بهینه پول و ارائه قاعده‌مندی سیاست پولی، اعتقاد دارد که استمرار تورم به بروز انتظارات تورمی منجر می‌شود و این مسئله باعث می‌گردد که منحنی فیلیپس تعمیم‌یافته به سمت بالا جابه‌جا شود. یعنی در سمت عرضه، تولیدکنندگان باید با توجه به افزایش تورم آتی، انتظارات ناشی از افزایش دستمزد کارگران -که به صورت تطبیقی شکل می‌گیرد- را درنظر بگیرند و این مسئله به جابه‌جایی منحنی عرضه به چپ منجر می‌شود. این موضوع از منظر

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

کینزی‌های جدید نیز مورد قبول واقع شده است. بنابراین، وجود تورم مستمر[1] عامل بروز تورم رکودی خواهد بود.

جدول ۱

دلایل بروز تورم رکودی از منظر مکاتب اقتصادی

مکتب یا نظریه اقتصادی	دلیل بروز تورم رکودی
نئوکینزی	تورم ناشی از سمت عرضه یا فشار هزینه تورمی شامل سیاست‌های مالی دولت
نئوکلاسیک	فشار هزینه تورمی
کینزی‌های جدید و پول‌گرایان	انتظارات تورمی ناشی از افزایش دستمزد
کلاسیک‌های جدید	مداخله‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی
اتریشی	رشد پول اعتباری مازاد بر رشد محصول
نظریه انباشت تفاضلی[2]	تمرکز بازار در اختیار گروه‌های خاص و پرنفوذ

یادداشت. سیاست‌های مالی دولت در مورد اول شامل مالیات یا یارانه روی عوامل تولید، کمبود منابع طبیعی به‌دلیل جنگ است.

در ادامه مطالعات لوکاس[3] در خصوص نقش انتظارات عقلایی در اقتصاد، کیدلند و پرسکات توجیه دقیق‌تری از تورم رکودی با معرفی پدیده ناسازگاری زمانی بیان نمودند. ناسازگاری زمانی به شرایطی گفته می‌شود که ترجیحات یک تصمیم‌گیرنده اقتصادی در یک دوره زمانی با دوره زمانی دیگر متفاوت گردد. کیدلند و پرسکات[4] (۱۹۷۷ و ۱۹۸۲) علت این پدیده را مداخله‌های مصلحت‌گرایانه و کوتاه‌مدت دولت، به‌ویژه مقام پولی در اعمال سیاست‌های پولی بیان می‌کنند که از طریق افزایش تورم انتظاری، باعث بروز تورم رکودی در اقتصاد می‌شود.[5]

[1] persistent inflation

[2] differential accumulation

[3] Lucas

[4] Kydland & Presscot

[5] برای توضیحات بیشتر نظری در خصوص نظریه ناسازگاری زمانی به مقاله‌های کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) و Bastanifar, Barzani Vaez, Isfahani Dallali & Dastjerdi Bakhshi (2012) نگاه شود. همچنین، برای تحلیل‌های کاربردی در مورد ناسازگاری زمانی به باستانی‌فر (۱۳۹۳) مراجعه شود.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

در اواخر دهه ۱۹۹۰ دیدگاه جدید و مبنی‌بر ساختار اجتماعی توسط نیتزان[1] (۱۹۹۸) در قالب نظریه انباشت تفاضلی مطرح شد. به اعتقاد این پژوهشگر، اقتصاد سرمایه‌داری برخلاف آنکه در نظریه به بازار رقابت کامل اعتقاد دارد ولی در عمل سود به‌صورت رقابتی توزیع نمی شود ، بلکه قواعد اجتماعی و گروه‌های پرنفوذ از طریق دردست‌گرفتن سهم بالای بازار و متمرکزکردن آن باعث کاهش سود برای بنگاه‌های دیگر، انحصار مواد اولیه، کاهش انگیزه تولید و رقابت برای بنگاه‌های دیگر و در نهایت تورم رکودی می‌شوند. بر پایه این نظریه نظارت و اصلاح قوانین بازار و درهم‌شکستن گروه‌های قدرتمند اجتماعی می‌تواند از تورم رکودی بکاهد.

۲.۲ مطالعات تجربی

تقوی (۱۳۸۲) به بررسی دلایل بروز رکود تورمی در اقتصاد ایران و شناسایی شیوه‌های تأثیرگذاری سیاست‌های مالی بر آن، با محاسبه ضرایب همبستگی بین متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته است. در این پژوهش کاهش درآمد نفتی و عواملی که در اقتصاد ایران موجب تورم فشار هزینه می‌شود از دلایل بروز تورم رکودی به‌حساب می‌آیند. در چنین شرایطی سیاست‌های مهار تورم و یا رکود به‌تنهایی مؤثر نیست، بلکه مجموع سیاست‌هایی مورد نیاز است که بیش از هر چیز تولید را افزایش دهد و از تأثیرپذیری عوامل بروز تورم بکاهد.

شاکری (۱۳۹۲) با تحلیل وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و اثرپذیری احتمالی آنها از تحریم، عامل اصلی رکود تورمی در اقتصاد ایران را تحریم‌های بین‌المللی ذکر می‌کند. در این پژوهش، تداوم تورم دورقمی طی چهار دهه گذشته همراه با رشد نسبتاً محدود تولید ناخالص ملی حقیقی دلیل رکود تورمی در اقتصاد کشور عنوان شده است. شاکری توصیه می‌کند که در این شرایط اولاً، نرخ ارز به هیچ وجه به‌عنوان ابزار ترازکننده بودجه دولت مورد استفاده قرار نگیرد. ثانیاً، نظارت بر عملکرد مؤسسات مالی و بانک‌های خصوصی افزایش یابد. ثالثاً، تمهیداتی اندیشیده شود که ارز تنها برای معاملات حقیقی مورد استفاده قرارگیرد. رابعاً، درصورت تشدید تحریم‌ها، منابع ارزی بین نیازهای تولید، کالاهای اساسی و دارو و با اولویت‌بندی تخصیص یابد. همچنین، کسری بودجه از طریق انضباط بودجه، شفاف‌سازی و اصلاح ساختار هزینه‌ها و استفاده از منابع بانکی چاره‌جویی شود.

---

[1] Nitzan

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

خانی‌قریه‌گپی، سحابی، عزیزی و صباغ کرمانی (۱۳۹۲) به تحلیل دلایل رکود تورمی در اقتصاد ایران با استفاده از روش تصحیح خطای خودبرازش‌کننده آستانه‌ای[1] و استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ پرداخته‌اند. متغیر وابسته در این پژوهش لگاریتم شاخص فلاکت[2] و متغیرهای مستقل به‌عنوان دلایل بروز رکود تورمی، شامل حجم نقدینگی، کسری بودجه دولت، درآمدهای نفت و تراز پرداخت‌ها بوده است. نتایج گویای آن است که افزایش نرخ رشد متغیرهای مستقل از یک سطح آستانه‌ای، اثرات یکسانی بر رکود تورمی در اقتصاد ایران خواهد داشت.

فاکسلی[3] (۱۹۸۰) به تحلیل تورم رکودی در اقتصاد برزیل طی سال‌های (۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸) و شیلی طی سال‌های (۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸) با روش سازگاری سیاست پولی پرداخته است. در این روش سازگاری سیاست مقام پولی انحراف معنادار نرخ‌های رشد برنامه‌ریزی‌شده توسط مقام پولی (حجم اعتبارات، نرخ بهره و نقدینگی) برای یک دوره زمانی با نرخ‌های رشد محقق‌شده (عملکردی) آزمون می‌شود. معناداری انحراف مقادیر رشد گویای وجود ناسازگاری زمانی در سیاست‌های پولی است. نتایج پژوهش گویای آن است که اولاً، رشد نقدینگی و اعتبارات عامل بروز تورم رکودی در دو کشور نبوده است. ثانیاً، عوامل بروز و راهکارهای خروج از تورم رکودی برای دو کشور برزیل و شیلی متفاوت‌اند و نمی‌توان نسخه واحدی برای آنها پیشنهاد کرد. ثالثاً، سیاست‌های اقتصادی مکتب نئوکلاسیکی و کلاسیک‌های جدید در مورد برنامه‌محورکردن مقام پولی باید در کنار اهداف و الگوهای توسعه بلندمدت و سیاست‌های توزیع مجدد درآمد تعدیل شود.

روگر[4] (۱۹۸۱) به راهکارهای اعمال‌شده در اقتصاد آمریکا در دوران رکود تورمی (دهه ۱۹۷۰) پرداخته است. در این پژوهش بیان شده که درمورد درمان پدیده تورم رکودی دو دیدگاه اقتصادی بین مجلس و دولت و اقتصاددانان آمریکا حاکم بوده است. یکی دیدگاه طرفداران سمت عرضه و متمایل به نئوکینزی است که خواستار کاهش هزینه‌های سمت تولید بودند. از دیگر طرفداران این دیدگاه، طیف دیگری از طرفداران سیاست‌های سمت عرضه شامل نئوکلاسیک‌هایی بودند که بر سیاست‌های افزایش بهره‌وری در تولید و

[1] threshold autoregressive error correction method
[2] misery index
[3] Foxley
[4] Roger

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نیروی‌کار (به‌ویژه در بخش‌های پژوهش و توسعه و صنایع پیشروی اقتصاد) تأکید می‌کردند.

طرفداران دیدگاه دوم، طرفداران سیاست‌های پولی و مالی بودند که راهکار درمان را کاهش مالیات و جبران هزینه‌های دولت از طریق سیاست‌های پولی و تأکید بر انضباط پولی و مالی می‌دانستند. درنهایت، آنچه توانست اقتصاد آمریکا را از وضعیت تورم رکودی خارج کند، به‌کارگیری سیاست‌های توأمان سمت عرضه و تقاضا بود، به‌گونه‌ای که با کاهش نرخ مالیات از شرکت‌های پژوهش و توسعه و پیشروی تولید از یک‌سو و اعطای تسهیلات ارزان قیمت به آنها و پایین نگه‌داشتن نرخ بهره بر پایه سیاست‌های پولی قاعده‌مند و هدف‌محور، از سوی دیگر، باعث شدند اقتصاد آمریکا از تورم رکودی دهه ۱۹۷۰ خارج شد.

ری[1] (۱۹۸۱) با استفاده از تحلیل تاریخی تجربه تورم رکودی در آلمان، ژاپن، انگلستان و سوئیس بیان می‌کند که نسخه واحدی برای حل مسئله تورم رکودی نمی‌توان ارائه کرد. به‌طور مثال، اگر اعمال قاعده سیاست پولی فریدمن در کنار سیاست گسترش بنگاه‌های با مقیاس بزرگ در ژاپن مؤثر بوده است، اما در سوئیس و آلمان سیاست‌های پولی اجرا شده مؤثر نبوده و مشکل رکود ناشی از بیکاری از طریق سیاست جذب کارگران خارجی حل شده است. در انگلستان نیز دیدگاه کلاسیک‌های جدید مبتنی بر کاهش انتظارات تورمی از طریق کنترل قاعده‌مند حجم پول و اعتبار سیاست موفقی نبوده است.

دوین[2] (۲۰۰۰) به تحلیل دلیل تورم رکودی در اقتصاد آمریکا با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۸ و تخمین رگرسیون تابع سود اقتصاد آمریکا پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دلیل بروز تورم رکودی در اقتصاد آمریکا، نوسانی‌بودن نرخ سود و بازدهی تولیدات طی سال‌های بروز تورم رکودی (دهه ۱۹۷۰ و سال‌های آخر دهه ۱۹۹۰) بوده است. علت این مسئله رواج پول اعتباری و افزایش هزینه‌های نیروی‌کار در بخش‌های غیرکشاورزی بوده است.

جمع‌بندی تجارب و مطالعات انجام‌شده گویای آن است که اولاً، عوامل متعددی می‌توانند باعث بروز تورم رکودی در اقتصاد شوند. ثانیاً، راهکار پیشنهادی برای درمان تورم رکودی برای هر کشور متفاوت است.

---

[1] Roy

[2] Devine

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۳.۲ روش پژوهش

جهت برآورد دلایل بروز رکود تورمی از الگوی برتولد و گراندلر (۲۰۱۳) استفاده شده است. در این الگو متغیر وابسته به‌صورت یک متغیر موهومی درنظر گرفته می‌شود. برای محاسبه متغیر موهومی وابسته، سال‌هایی که اقتصاد ایران دچار تورم رکودی بوده عدد یک و سال‌هایی که تورم رکودی نبوده است، عدد صفر وارد می‌شود. مبنای وجود رکود تورمی الگوی دی‌هان و سومنر[1] (۲۰۰۴) است.

بر پایه الگوی دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴)، از ارتباط کواریانس نرخ تورم و رشد تولید ناخالص واقعی سال‌هایی که رکود تورمی واقع‌شده از سال‌های فاقد رکود تورمی متمایز می‌شوند. اگر نرخ تورم و رشد تولید ناخالص واقعی دارای کواریانس منفی باشند، در آن سال رکود تورمی اتفاق افتاده است و درصورت مثبت‌بودن کواریانس مذکور، رکود تورمی اتفاق نیفتاده است. جدول ۲ متغیرهای الگو را به همراه منبع داده‌ها نشان می‌دهد.

۳ یافته‌های پژوهش

۱.۳ برآورد سال‌های رکود تورمی

با توجه به روش دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴) در ابتدا کواریانس نرخ تورم و رشد تولید واقعی مشخص می‌شود. رابطه ۱ روش محاسبه کواریانس را نشان می‌دهد.

$$cov(X,Y) = E[X - E(X))(Y - E(Y))] \qquad (۱)$$

اگر X و Y متغیرهای تصادفی باشند، امید ریاضی آنها $E(X)$ و $E(Y)$ است. در این پژوهش با قراردادن نرخ تورم به جای X و رشد تولید واقعی به جای متغیر Y کواریانس مقادیر در طول دوره‌های زمانیِ خاص اقتصاد ایران (دوران جنگ و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه) برآورد شده است.

[1] Denhaan & Sumner

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۲

معرفی متغیرهای مدل و منبع آنها

نماد	توضیح متغیر	منبع داده*
S	ماندگاری تورم رکودی به صورت متغیر مجازی	نتایج الگوی دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴) که داده‌های آن (رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت سال پایه ۱۳۷۶ و تورم بر پایه شاخص بهای مصرف سال ۱۳۷۶) برگرفته از بانک سری زمانی داده‌های بانک مرکزی است.
P	شاخص بهای مصرف خانوار به قیمت سال پایه ۱۳۷۶	بانک سری زمانی داده‌های بانک مرکزی
M2	نقدینگی به میلیارد ریال	بانک سری زمانی داده‌های بانک مرکزی
O	قیمت نفت به دلار	بانک سری زمانی داده‌های بانک مرکزی
L	بهره‌وری نیروی‌کار به قیمت سال پایه ۱۳۷۶	گزارش بهره‌وری اقتصاد ایران (۱۳۸۹) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**
S(-1)	ماندگاری تورم رکودی با وقفه یک‌دوره‌ای	نتایج الگوی دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴) با یک دوره وقفه

یادداشت. اولین متغیر وابسته و دیگر متغیرها مستقل هستند.

* به‌دلیل فقدان داده‌های رسمی برای برخی متغیرها تا انتهای سال ۱۳۹۲، برای سنجش رکود تورمی طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ از برخی گزارش‌های معتبر بانک مرکزی استفاده شده و صرفاً به نرخ‌ها (تورم و رشد تولید ناخالص واقعی داخلی) بسنده شده است. اما برای تحلیل اثر متغیرهای مستقل بر وابسته که نیاز به مقدار متغیر بوده، صرفاً بر پایه آخرین سالی که داده‌های سری زمانی موردنیاز موجود بوده (یعنی سال ۱۳۸۹)، برآوردها انجام شده است.

** در این گزارش داده‌های سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۶ موجود است. برای جلوگیری از کاهش داده‌ها در مدل، متوسط بهره‌وری نیروی‌کار طی سال‌های مذکور ۲ درصد بوده است. بر این اساس، بهره‌وری در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ و ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ بر پایه نرخ متوسط بهره‌وری کل نیروی‌کار(دو درصد) برآورد و مورد استفاده قرار گرفته است.

منفی‌شدن کواریانس بیانگر وجود رکود تورمی و مثبت‌بودن آن دلالت بر عدم‌رکود تورمی در دوره زمانی دارد. بر پایه شاخص مذکور، اگر روند تورم در یک دوره افزایشی باشد، عبارت $X - E(X)$ مثبت می‌شود و برای آنکه در یک دوره زمانی وجود رکود تورمی اثبات شود باید عبارت $Y - E(Y)$ نیز منفی گردد. شرط منفی‌شدن عبارت مذکور آن است که مقدارِ رشد تولید ناخالص واقعی در بیشتر سال‌های دوره از متوسط آن طی دوره موردبررسی کمتر گردد.

بنابراین، منفی‌بودن رشد اقتصادی در کنار نرخ مثبت تورم در بیشتر سال‌های یک دوره (مثلاً دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲) و یا بیشتر سال‌های دوران جنگ تحمیلی می‌تواند گویای وجود

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

رکود تورمی باشد، اما این مسئله تنها شرط وجود رکود تورمی نیست، بلکه روند کاهشی رشد تولید ناخالص داخلی نیز اگر با افزایش توأمان تورم در سال‌هایی مواجه شود، می‌تواند دلالت بر رکود تورمی نماید. مثلاً در دوره سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ۴/۶۶ و نرخ تورم ۲۰/۵ درصد است، اما با وجود آنکه طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ رشد تولید ناخالص داخلی به‌صورت فزاینده اتفاق افتاده ولی در بیشتر سال‌های این دوره (۱۳۶۷ و ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳) رشد مذکور از میزان متوسط کمتر بوده است. بنابراین، کواریانس میان تورم و رشد اقتصادی که گویای ارتباط میان نرخ تورم و رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در آن دوره است، منفی و دلالت بر رکود تورمی دارد.

درواقع در این روش تغییرات توأمان نرخ تورم و رشد واقعی بر پایه یک مقدار بحرانی که آن نیز مقدار متوسط در هر دوره زمانی است، تحلیل می‌شوند. بنابراین، تغییرات نوسان‌دار در نرخ تورم و رشد واقعی که گویای نوسانات در محیط داخلی و خارجی به‌دلیل ساختار اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است، در قالب انحراف از مقادیر میانگین دوره بر بروز رکود تورمی تأثیرگذار خواهند بود. وجود نرخ رشد مثبت در برخی از سال‌های یک دوره اقتصادی مانند سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ دلالت بر نبود رکود تورمی ندارد، بلکه باید مقادیر مذکور بر پایه محاسبه مقادیر تورم و رشد اقتصادی از متوسط آنها در طول دوره تحلیل شوند.[۱]

جدول ۳ نتایج برآورد سال‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران را بر پایه روش دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴) نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ دارای رکود تورمی بوده است. بنابراین، برای برآورد عوامل مؤثر بر بروز رکود تورمی در اقتصاد ایران در این سال‌ها مقدار یک و در سال‌های دیگر صفر درنظر گرفته می‌شود و به‌عنوان متغیر وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

---

[۱] هرچند برای سنجش رکود تورمی از شاخص فلاکت که جمع نرخ تورم و بیکاری است نیز استفاده می‌شود، اما مشکل این روش در آن است که حد مشخصی وجود ندارد. مثلاً اگر این شاخص ۳۰ باشد که ۲۹ درصد مربوط به تورم و ۱ درصد مربوط به بیکاری باشد تفاوتی با شرایطی که در آن اقتصاد ۱۵ درصد تورم و ۱۵ درصد بیکاری را توأمان تجربه می‌کند برقرار نمی‌کند. به همین دلیل روش دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴) که به سنجش رکود تورمی بر اساس مفهوم کواریانس می‌پردازد این مشکل را برطرف می‌کند. برای توضیحات بیشتر در خصوص اثبات‌های ریاضی و ادله‌های مرتبط با روش مذکور به برتولد و گروندلر (۲۰۱۲، صص. ۳-۸) نگاه کنید.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۳

برآورد سال‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران

سال	کواریانس رشد اقتصادی و تورم	رکود تورمی
۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶	-۲۰/۳	آری
۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳	-۳۷/۸	آری
۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸	۰/۲۷	خیر
۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳	۳/۱۷	خیر
۱۳۸۴تا ۱۳۸۹	-۷/۴۲	آری
۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲	-۱۴/۶	آری

یادداشت. روش‌شناسایی رکود تورمی در ستون سوم بر پایه مطالعه دی‌هان و سومنر (۲۰۰۴) قرار دارد.

۲.۳ برآورد عوامل مؤثر بر بروز رکود تورمی

جدول ۴ برآورد الگو را بر پایه روش‌های داده شمارشی، سانسور داده، توبیت و حداقل مربعات معمولی نشان می‌دهد.

جدول ۵ مقدار آماره آزمون ریشه واحد دیکی-فولر[1] تعمیم‌یافته را نشان می‌دهد که با توجه به آنکه قدرمطلق مقدار آماره محاسبه‌شده در سطح معناداری بیشتر از قدرمطلق میزان بحرانی در سطوح ۱ تا ۱۰ درصد است، فرضیه H_0، که دلالت بر نامانایی دارد، رد می‌شود. بنابراین، می‌توان به ضرایب الگوهای جدول ۴ در بلندمدت اعتماد کرد.

نتایج برآوردهای مذکور دلالت بر آن دارد که شاخص بهای مصرف خانوار و قیمت نفت با یک وقفه‌ی زمانی از عواملی بوده‌اند که بر دوره زمانی رکود تورمی اثر معکوس داشته‌اند. درمقابل، بهره‌وری نیروی‌کار، نقدینگی و اثرات ناشی از تعدیل در رکود تورمی که با یک دوره وقفه ظاهر می‌شود، اثر مثبت داشته‌اند. بنابراین، از منظر مقام پولی مسئله نقدینگی در اقتصاد و مدیریت آن در بروز و یا جلوگیری از تورم رکودی اهمیت بسزایی خواهد داشت. اما اکنون سوال این است که آیا روش‌های تدوین سیاست‌های پولی که به‌صورت مصلحت‌گرایانه اتخاذ می‌شوند عامل بروز رکود تورمی بوده و یا رشد نقدینگی را باید عامل اصلی در بروز رکود تورمی قلمداد کرد؟ این سوال در ادامه پاسخ داده می‌شود.

[1] Dickey-Fuller

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۴
برآورد الگوی پژوهش

روش تخمین	C	P	M2(-1)	O(-1)	L(-1)	S(-1)
ML/QML : Poisson	۳۹/۶۹-	۴/۳۵-	۳/۱۱	۰/۷۵-	۵/۰۵	۱/۴۶
Count	(۱/۰۶-)	(۱/۱۱-)	(۱/۰۴)	(۰/۵۶-)	(۰/۷۱)	(۱/۱۰)
ML: Negative	۳۹/۶۹-	۴/۳۵-	۳/۱۱	۰/۷۵-	۵/۰۵	۱/۴۶
Binomial Count	(۱/۰۶-)	(۱/۱۱-)	(۱/۰۴)	(۰/۵۶-)	(۰/۷۱)	(۱/۱۰)
QML : Normal Count	۲۰/۹-	۲/۲۲-	۱/۵۸	۰/۳۸-	۲/۵۷	۱/۵۱
	(۱/۹۷-)	(۱/۸۰-)	(۱/۸۱)	(۱/۵۰-)	(۱/۵۵)	(۱/۳۹)
QML : Negative	۵۱/۴-	۵/۷۷-	۴/۱۵	۱/۰۱-	۶/۵۲	۱/۳۵
Binomial Count	(۱/۰۳-)	(۱/۱۱-)	(۱/۰۴)	(۰/۵۷-)	(۰/۶۸)	(۰/۸۹)
ML : Censored	۲۶/۱-	۲/۹۸-	۲/۱۲	۰/۴۸-	۳/۵۵	۰/۵۵
Normal	(۳/۷۵-)	(۴/۳۰-)	(۳/۸۹)	(۱/۸۶-)	(۲/۵۱)	(۲/۹۰)
OLS	۱۹/۴۸-	۲/۱۸-	۱/۵۱	۰/۳۰-	۲/۷۹	۰/۳۹
	(۳/۶۶-)	(۴/۳۶-)	(۳/۹۱)	(۱/۵۶-)	(۲/۴۹)	(۲/۷۰)

یادداشت. نوع تخمین در چهار روش اول داده شمارشی، در روش پنج توبیت و در روش آخر OLS است. ضریب تعیین تعدیل‌شده برای شش تخمین به ترتیب از بالا به پایین برابر است با ۶۸/۴، ۶۷/۰، ۷۵/۳، ۵۵/۵، ۷۹/۹ و ۸۳/۷ درصد است. مقادیر داخل پرانتز بیانگر آماره z است. در تمام موارد جهت تصریح در انتخاب وقفه‌های بهینه از آماره شوارتز و آکائیک استفاده شده است.

جدول ۵
برآورد میزان عوامل اختلال رگرسیون‌های جدول ۳ بر پایه آماره دیکی-فولر تعمیم یافته

ML/QML : Poisson Count	ML: Negative Binomial Count	QML : Normal Count	QML : Negative Binomial Count	ML : Censored Normal	OLS
۳/۸۲-	۳/۸۲-	۵/۵۶-	۳/۸۷-	۳/۸۶-	۳/۸۴-

یادداشت. سطوح بحرانی در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد به‌ترتیب برابر با ۳/۶۹-، ۲/۹۷- و ۲/۶۲- است.

۳.۳ تجزیه و تحلیل

بر پایه نتایج بخش قبل یکی از دلایل وجود رکود تورمی نقدینگی است. اما باید مشخص شود که مسئله نقدینگی به‌دلیل رشد نقدینگی در اقتصاد ایران یا به‌دلیل سیاست‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی بوده است، زیرا از منظر مکاتب علم اقتصاد، هر کدام پاسخ

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جداگانه‌ای دارد. یکی مرتبط با مکتب اتریشی و دیگری مرتبط با مکتب کلاسیک‌های جدید است. اگر علت اثر نقدینگی بر رکود تورمی رشد نقدینگی است، در چهارچوب مکتب اتریشی باید سیاست‌های مرتبط با خلق پول و روند شکل‌گیری بانکداری خصوصی مورد توجه و تعدیل قرار گیرد. اما اگر مسئله نحوه سیاست‌گذاری مقام پولی است، در چهارچوب مکتب کلاسیک‌های جدید، باید به مسئله ناسازگاری زمانی در اقتصاد توجه شود.[۱]

به‌طور مثال، همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در برنامه اول توسعه، قرار بوده رشد نقدینگی به‌صورت سالانه ۸/۲ درصد کاهش یابد تا رشد ۲۳/۸ درصدی در سال ۱۳۶۷ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۲ برسد. حال عملکرد مقدار نقدینگی محقق‌شده در طول سال‌های مذکور متأثر از سیاست‌های برنامه‌ای بوده است و یا مقام پولی بر پایه مصلحت‌های سالانه اقدام به تغییرات در حجم پول کرده است؟ به همین ترتیب، آیا رشد نقدینگی محقق‌شده در طول سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۹ متأثر از سیاست‌های برنامه‌های توسعه بوده و یا مصلحت‌گرایی مقام پولی عامل بروز آنهاست؟

جدول ۶ رشد نقدینگی را در دوره‌های وجود رکود تورمی و نبود آن نشان می‌دهد. رشد نقدینگی در تمام دوره‌های نبود رکود تورمی از ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳، ۲۷ درصد است که این رشد بیشتر از دورانی است که اقتصاد ایران دچار رکود تورمی بوده است (یعنی ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹). در سال‌های وجود رکود تورمی، متوسط سالانه رشد حجم پول، ۲۴ درصد اندازه‌گیری شده است. بنابراین، رشد حجم نقدینگی نمی‌تواند باعث بروز تورم رکودی شده باشد.

شکل ۲ روند تغییرات رشد را در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۹ نشان می‌دهد. در سال‌های دوره‌ی اول رکود تورمی در اقتصاد ایران (۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳) هم روند افزایشی و هم کاهشی در حجم پول وجود داشته است. این مسئله دقیقاً برای دوره رکود تورمی (۱۳۸۴تا ۱۳۸۹) نیز مصداق دارد. درواقع، علت روند نوسانی رشد حجم پول وجود سیاست‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی است که در مقاطع زمانی مختلف بر پایه مصلحت‌های اقتصاد ایران اتخاذ شده است.[۲]

---

[۱] همان‌طور که در بخش مبانی نظری ذکر شد، سیاست‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی باعث افزایش انتظارات تورمی می‌شود، اما دلیل اعمال سیاست‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی، می‌تواند متأثر از وابستگی اقتصاد به خارج و شرکت‌های ارزی و عوامل متعدد دیگر باشد که نیازمند مطالعه جداگانه است.

[۲] نکته قابل تأمل درخصوص بروز رکود تورمی در سال‌های اخیر از منظر سیاست‌های مصلحت‌گرایانه مقام پولی، افزایش پایه پولی با رشد مصلحت‌گرایانه ۲۷/۶ درصدی است. درحالی‌که این رشد در سال ۱۳۹۰، ۱۱/۴ درصد ←

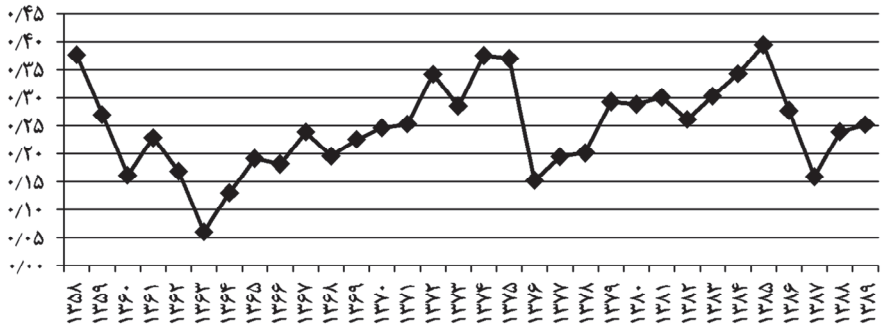
[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۷

برآورد تحلیل رشد نقدینگی بر پایه دوران وجود و نبود رکود تورمی در اقتصاد ایران

مورد	دوره زمانی	متوسط رشد نقدینگی سالانه محقق شده (درصد)	متوسط رشد نقدینگی سالانه بر پایه برنامه (درصد)	وجود تورم رکودی
۱	۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳	۲۲	-۸/۲	آری
۲	۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳	۲۷	۹/۵ و ۱۶/۱	خیر
۳	۱۳۸۴تا ۱۳۸۹	۲۸	۲۰	آری
۴	۱۳۵۸تا ۱۳۸۹	۲۵	-	-
۵	دوران رکود تورمی	۲۴	-	-

یادداشت. دوران رکود تورمی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ برآورد شده است. متوسط رشد نقدینگی در مورد اول طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ محاسبه شده است. در مورد دوم، متوسط رشد نقدینگی طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ برابر با ۹/۵ درصد و طی سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ برابر با ۱۶/۱ درصد است. متوسط رشد نقدینگی در مورد سوم طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ محاسبه شده است. دوران رکود تورمی در مورد پنجم با توجه به نتایج پژوهش و بازه ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳ و ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ است.



شکل ۲. روند تغییرات نرخ رشد نقدینگی از سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۹

شکل ۳ یک تکانه ناشی از نوسات نقدینگی بر پایه رکود تورمی را بر پایه الگوی خودرگرسیون برداری VAR نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود واکنش نقدینگی

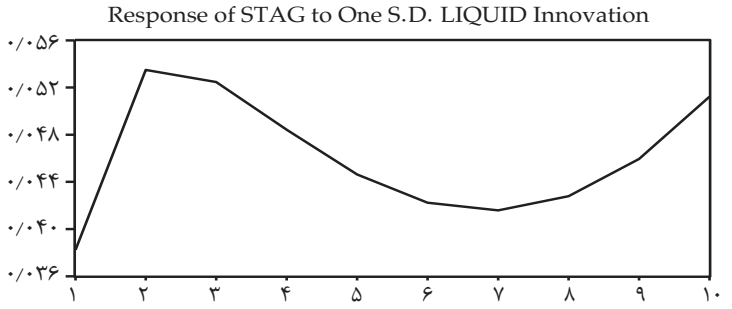
→

بوده است. همچنین، خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی در سال ۱۳۹۱، ۱۶۲/۹ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۹۰ داشته که از مهمترین دلایل افزایش پایه پولی به‌صورت روش مصلحت‌گرایانه بوده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

به دوران رکود تورمی، به‌صورت نوسانی (سینوسی) است و یک انحراف معیار ناشی از نوسات نقدینگی (سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی) به‌صورت نوسانی بر رکود تورمی اثر می‌گذارد. به‌گونه‌ای که در طول یک بازه ده ساله، در دو سال اول باعث بروز رکود تورمی، در پنج سال بعد باعث کاهش رکود تورمی و از سال هفتم به بعد باعث افزایش رکود تورمی می‌گردد. درواقع سیاست‌های مصلحت‌گرایانه باعث بروز اثرات بلندمدت و ماندگاری رکود تورمی می‌شوند.

بنابراین، مشکل اصلی سیاست پولی از منظر تغییرات نقدینگی نوسانات در رشد حجم پول (سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی) است و نه افزایش نقدینگی. این پدیده در چهارچوب مبانی نظری رکود تورمی در مکتب کلاسیک‌های جدید بیانگر پدیده‌ای به نام ناسازگاری زمانی در بخش پولی اقتصاد است. بر پایه اطلاعات جدول ۷، مقام پولی در برنامه چهارم توسعه باید رشد حجم پول را سالانه ۲۰ درصد اعمال می‌نمود ولی رشد حجم پول محقق‌شده در این دوره ۲۸ درصد بوده است. این مسئله، بیانگر ناسازگاری زمانیِ سیاست پولی است، یعنی ترجیح برنامه‌ریز قبل از تدوین برنامه چهارم رشد ۲۰ درصدی است، ولی آنچه عملاً برای برنامه‌ریز در پایان برنامه چهارم مرجح دانسته شده، رشد ۲۸ درصدی در حجم پول است.



شکل ۳. اثر تکانه ناشی از سیاست پولی بر رکود تورمی

بر پایه شکل ۲ مشاهده می‌شود که رشد پول در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ دارای نوسان بوده است به‌گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به‌ترتیب، ۳۴، ۳۹، ۲۸، ۱۶ و ۲۴ درصد تغییر کرده است که گویای فقدان قاعده سیاست پولی در طول برنامه است.

در چهارچوب نظریه ناسازگاری زمانی، رفتارهای مصلحت‌گرایانه مقام پولی باعث می‌شود که روند برآورد تورم انتظاری برای بنگاه‌های اقتصادی غیرشفاف گردد و بنابراین

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و مولد به سمت سرمایه‌گذاری سفته‌بازانه و کاذب کوتاه‌مدت سوق‌یافته و اقتصاد از سمت بازار مواد اولیه در رکود قرار گیرد. گسترش فعالیت‌های سفته‌بازانه و کاذب کوتاه‌مدت به افزایش بهای کالا و خدمات در بازار محصولات منجر می‌گردد. بنابراین، در بازار محصول، افزایش قیمت‌ها رخ می‌دهد و درنهایت اقتصاد در شرایط رکود تورمی قرار می‌گیرد.

برای جلوگیری از بروز ناسازگاری زمانی سه رهیافت علمی با عنوان رهیافت‌های قاعده[۱]، وکالت[۲] و خوش‌نامی[۳] ارائه شده است (رومر، ۲۰۱۲، صص. ۵۵۹ تا ۵۶۳) [۴]، اما مهم‌ترین مسئله برای اقتصاد ایران تدوین قاعده سیاست پولی سازگار با شرایط اقتصاد ایران در جهت مقابله با تکانه‌های با منشأ خارجی مانند تحریم‌ها[۵] و نوسانات درآمد نفتی است. همچنین، با توجه به نقش نهادهای تصمیم‌ساز در اقتصاد کشور در عرصه‌های پولی و مالی در رشد اقتصادی مبتنی بر مطالعات نورث (۱۹۹۰، ۱۹۹۴)، مطالعات آقیون و تیرول[۶] (۱۹۹۷) و لودما و اولفگرد[۷] (۲۰۰۶)، مسئله استقلال مقام پولی با توجه به ساختار اقتصادی و سیاسی ایران در چهارچوب رهیافت وکالت اهمیت خواهد داشت.

۴ جمع‌بندی

بخشی از تورم رکودی در اقتصاد ایران به‌دلیل پایین‌بودن بهره‌وری نیروی‌کار است. توجه ویژه به سیاست‌های افزایش و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی و سمت عرضه اقتصاد ازجمله اقتصاد دانش بنیان ضروری است. اما، از آنجا که دلیل دیگر رکود تورمی در اقتصاد ایران

---

[1] rule

[2] delegation

[3] reputation

[۴] بحث پیرامون رهیافت‌های مذکور و چگونگی بومی‌سازی آنها برای اقتصاد ایران نیازمند مقدمات و توضیحاتی است که در چهارچوب این مقاله نیست. جهت اطلاع از مبانی علمی روش‌های مذکور به منبع اشاره شده (رومر، ۲۰۱۲) مراجعه شود.

[۵] برای توضیحات بیشتر در خصوص تحریم‌ها و نقش آنها در ایجاد انتظارات به مطالعات Collier, Hegre, Hoeffler & Sambanis (2003) و Verwimp & Bruck (2009) نگاه شود.

[6] Aghion & Tirole

[7] Ludema & Olofsgård

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

ناسازگاری زمانیِ سیاست پولی است، در چهارچوب این نظریه سیاست‌های سمت تقاضا باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به بروز انتظارات تورمی در اقتصاد منجر نگردند.
در چهارچوب نظریه ناسازگاری زمانی، هنگامی وابستگی اقتصاد به نفت، تحریم‌ها و ساختار دولتی مشکلات اصلی اقتصاد ایران را شامل می‌شوند که نوسانات درآمدهای نفتی حجم بالایی از تصمیم‌گیری‌های اقتصاد و تحریم‌های دولت را مجبور به اتخاذ سیاست‌های مصلحت‌گرایانه پولی نماید. بنابراین، اقتصاد ایران نیازمند بازنگری اساسی در روش‌ها و ساختارهای سیاست‌گذاری دولت در اقتصاد کلان، به‌ویژه در ساختار و سیاست‌گذاری‌های پولی است.

در عرصه سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود سیاست‌های اقتصادی کلان دولت، به‌ویژه در سمت تقاضای اقتصاد، به‌گونه‌ای باشد که به مسئله مهم انتظارات تورمی، دلایل و ریشه‌های بروز و راهکارهای کاهش آن توجه کند . مطالعات جامعی درخصوص شکل‌گیری انتظارات تورمی و ریشه‌های آن در اقتصاد ایران به‌ویژه با توجه به نقش تحریم‌های بین‌المللی در ایجاد انتظارات تورمی و سلسله مراتب نهادهای تصمیم‌ساز در عرصه پولی و مالی صورت پذیرد تا بتوان با الگوهای غنی‌تر، جامع‌تر و با اتخاذ راهکارهای علمی و سازگار با اقتصاد ایران و نیز با بومی‌سازی رهیافت‌های قاعده، وکالت و خوش‌نامی برای اقتصاد ایران از بروز ناسازگاری زمانی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و به‌تبع آن رکود تورمی در اقتصاد کشور جلوگیری نمود.

فهرست منابع

خلیلی عراقی، م.، و سوری، ع. (۱۳۸۳). *راهنمای نوین در اقتصاد کلان* (ترجمه). تهران: انتشارات برادران.

تقوی،م.، غروی نخجوان، س. ا. (۱۳۸۲). تورم رکودی در اقتصاد ایران. *پژوهشنامه اقتصادی ایران*، ۱۳،۹-۷۰.

باستانی‌فر، ا. (۱۳۹۳). آزمون ناسازگاری زمانی در اقتصاد ایران. *پژوهشات اقتصادی*، ۴۹(۴)، ۷۲۷-۷۹۹.

شاکری، ع. (۱۳۹۲). *تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ایران، ارزیابی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی* (گزارش علمی ش. ۱۳۴۷۹). دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

خانی‌قریه‌گپی، ن.، سحابی، ن.، عزیزی، ف.، و صباغ کرمانی، م. (۱۳۹۲). شناسایی علل رکود تورمی درایران: روش تصحیح خطای آستانه ای. *فصلنامه‌ی مدل سازی اقتصادی*، ۷(۴)، ۱۹-۳۵.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

Aghion, P., & Tirole, J. (1997). Formal and real authority in organization. *The journal of political economy*, 105, 1-29.

Barasky, R., & Killian, B. (2001). *Do we really know that oil caused the great stagnation? A monetary alternative* (*Working Paper* No. 8389). National Bureau of Economic Research.

Bastanifar, I., Barzani Vaez, M., Isfahani Dallali, R., & Dastjerdi Bakhshi, R. (2012). Alternative conditions to time inconsistency equilibrium of an international monetary policy. *International Economic Studies*, 42(1), 57-67.

Berthold, N., & Gründler, K. (2012). *Stagflation in the world economy: A revival* (Working paper No. 117). Julius-Maximilians-Universität Würzburg.

Bruno, M., & Sachs, J. (1985). *Economics of worldwide stagnation*. Harvard University Press.

Collier, P. E., Harry, H. A., Hoeffler, R. Q., & Sambanis, N. (2003). *Breaking the conflict trap: Civil war and development policy*. World Bank Publications.

Denhaan, W., & Sumner, S. W. (2004). The Co-movement between real activity and prices in the G7. *European Economic Review*, 48(6), 1333-1347.

Devine, J. (2000). The rise and fall of stagflation: Preliminary results. *Review of Radical Political Economics*, 32, 398-407.

Durham, M. B. (1976). Elements of stagflation theory. *Zeitschrift Fur Nationalokonomie*, (36), 1-8.

Foxeley, A. (1980). Stabilization policies and stagflation: The cases of Brazil and Chile. *World Development*, 8, 887-912.

Friedman, M. (1969). *The optimum Quantity of money and other essays*. New York: Adlin Publishing company.

Hunt, B. (2005). *Oil price shocks: Can they account for the stagnation in the 1970s?* (Working Paper No. 05/215). International Monetary Fund.

Killian, L. (2009). *Oil price shocks, monetary policy and stagnation* (Discussion Papers No. 7324), Centre for Economic Policy Research.

Kydland, F., & Presscot, E. (1982). Time to build and aggregate fluctuations. *Econometrica*, 50(6), 1345-1370.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

Kydland, F., & Presscot, E. (1977). Rules rather than discretion: The inconsistency of optimal plans. *The Journal of Political Economy*. 85(3), 473-492.

Ludema, R., & Olofsgard, A. (2006). *Delegation versus communication in the organization of government* (Working Paper No. 04-06). Georgetown University.

Nitzan, J. (1998). Differential accumulation: Towards a new political economy of capital. *Review of International Political Economy*, 5, 169–216.

North, D. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*. New York: Cambridge University Press.

North, D. (1994). Economic performance through time. *American Economic Review*, 84(3), 359-368.

Roger, W. (2005): International oil price changes: Impact of oil prices on growth and inflation in the EU/OECD. *International Economics and Economic Policy*, 2, 15-32.

Roger, B. (1981). The proper medicine for stagflation. *Technology in Society*, l3, 45-62.

Romer, D. (2012). *Advanced Macroeconomics (*Fourth edition*)*. McGraw-Hill.

Roy, F.(1981). Work-Sharing and insurance policy: A cure for stagflation. *Kitklos*, 34, 432-447.

Verwimp P., & Bruck, J. (2009). The analysis of conflict: A micro-level perspective. *Journal of Peace Research*, 46, 307-314.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]